



# The Waiting Period ('Iddah) of Women Without a Uterus

Mostafa Haji Vali'i

## Abstract

Various reasons lead physicians to perform hysterectomy (removal of the uterus) in women. The necessity or non-necessity of observing the idda (waiting period after divorce or death of husband) for such women is among the issues this has posed for Islamic jurisprudence. In this paper, after examining the meaning and types of idda, the situation of these women regarding the observance of idda is discussed. Review of the evidence for the idda of widowhood indicates that there is no exception in this regard; hence, even women without a uterus are obliged to observe this type of idda. Regarding the idda of divorce, based on the two principles of *istishab* (presumption of continuity) and *bara'a* (presumption of innocence/exemption), the necessity of observing idda does not apply. According to primary jurisprudential rules, based on verse 228 of Surah al-Baqarah, verse 1 of Surah al-Talaq, and three narrations, every divorced woman must observe idda. Finally, after analyzing three narrations and assessing their applicability, it was found that applying this evidentiary basis to women without a uterus is subject to doubt. Ultimately, based on primary jurisprudential rules on idda, the necessity for women without a uterus to observe the waiting period is established.

## Keywords

1. Idda
2. Hysterectomy
3. Idda of divorce
4. Women without uterus
5. Uterine examination
6. Islamic law
7. Fiqh rulings





## عده زنان فاقد رحم

مصطفی حاجی ولیی<sup>۱</sup>

### چکیده

دلایل مختلفی موجب خارج کردن رحم زنان توسط پزشکان شده است. لزوم و عدم لزوم رعایت عده‌ی طلاق برای این‌گونه زنان، از جمله مسائلی است که این امر در برابر فقه قرار داده است. در این نوشتار، ضمن بررسی معنا و انواع عده، به وضعیت این زنان نسبت به رعایت عده پرداخته شده است. بررسی ادله‌ی عده‌ی وفات چنین نشان می‌دهد که رعایت این عده هیچ‌گونه استثنایی ندارد؛ از این رو، زنان فاقد رحم نیز ملزم به رعایت این نوع عده هستند. در عده‌ی طلاق، مقتضای دو اصل استصحاب و برائت، عدم وجوب رعایت عده است. مقتضای قاعده‌ی اولیه را بر اساس آیه‌ی ۲۲۸ سوره بقره و آیه‌ی ۱ سوره طلاق و سه روایت، لزوم رعایت عده بر هر مطلقه‌ای دانسته شد. در مرحله‌ی آخر، برای به دست آوردن مقتضای ادله، سه روایت بررسی شده و شمول این ادله برای زنان فاقد رحم، مورد خدشه واقع گردید. در نهایت، با توجه به مقتضای قاعده‌ی اولیه در عده، لزوم رعایت عده برای زنان فاقد رحم به اثبات رسید.

### کلیدواژه:

عده، اخراج رحم، عده مطلقه، زنان فاقد رحم، استبراء رحم

۱. دانش آموخته سطح ۴ مدرسه فقهی امام محمدباقر (ع) - استاد سطوح عالی حوزه علمیه مروی

**۱. مقدمه**

عارضه‌ای است که زن عادت ماهیانه و قدرت باروری ندارد.

بحث جواز انجام این عمل جراحی که موجب عقیم شدن زن می‌شود، در حال ضرورت و غیر آن، باید در جای خود بررسی شود. اما آنچه این نگاشته به دنبال بررسی آن است، یکی از احکام مترتب بر خارج نمودن رحم یعنی عده‌ی زنان بدون رحم می‌باشد که اهمیت طرح و بررسی این مسأله پوشیده نیست؛ چرا که در صورت عدم لزوم رعایت عده، زن می‌تواند بدون گذشت مدت زمان عده ازدواج نماید و در صورت لزوم رعایت عده، باید همچون زنان دیگر به این امر الهی گردن نهد و برای انجام ازدواج بعدی خود، باید مدت معینی را به عده‌نشینی سپری کند و زمان مشخصی از ازدواج قبلی او بگذرد.

**۲. معنای عده****۲-۱. معنای لغوی:**

عده در لغت، مطابق بیان خلیل درالعین به معنای جماعت و گروه است: *وَالْعِدَّةُ جَمَاعَةٌ قُلْتُ أَوْ كَثَرْتُ*. (العین، ج ۱، ص: ۷۹)  
عده به معنای جماعت است، خواه این جماعت اندک باشد یا کثیر.

در فرهنگ ابجدی چنین آمده است:  
*الْعِدَّةُ - جِ عِدَدٍ [عَدَّ]:* گروه؛ «عِنْدِي عِدَّةٌ كُتِبَ»: تعدادی کتاب دارم؛ «عِدَّةُ الْمَرْأَةِ»:

یکی از مسائلی پیش روی جامعه‌ی امروزی، مسأله‌ی خارج کردن رحم زنان می‌باشد. امروزه به دلیل پیشرفت علم پزشکی، زنان می‌توانند با خارج کردن رحم، به زندگی طبیعی خود ادامه دهند؛ این عمل جراحی که با نام علمی هیستریکتومی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، گاهی بدون هیچ دلیل و ضرورتی و با تقاضای خود زن انجام می‌گیرد. این جراحی که در اغلب موارد برای درمان مشکلات متعددی همچون دردهای لگنی، مشکلات قاعدگی، تومورها و دیگر بیماری‌های مربوطه به کار می‌رود، در واقع تغییر وضعیت طبیعی زن و دگرگون کردن دستگاه باروری وی به حساب می‌آید و با توجه به نوع عمل، قسمتی از رحم زن که به طور طبیعی به آن برای باروری نیاز دارد خارج می‌گردد.<sup>۲</sup>

از آنجا که رحم، در عادت ماهیانه و دیدن خون حیض و باردار شدن زن نقش مؤثری دارد، با برداشته شدن این عضو، این دو روند طبیعی زن مختل می‌گردد و از این رو زنی که فاقد رحم شده دیگر خون حیض نمی‌بیند و عادت ماهیانه خود را از دست می‌دهد و همچنین قدرت باروری خود را در شرایط عادی و طبیعی داخل رحم، از دست می‌دهد. این عوارض، امری طبیعی و عادی برای زن به حساب نمی‌آید و به جهت

1. Hysterectomy

۲. ر.ک <http://sogc.org> به نقل از <http://niloulab.com/patients/hysterectomy>



عده زن، مدتی که زن پس از طلاق یا فوت شوهر باید صبر کند. (فرهنگ ابجدی، ص: ۶۰۲)

راغب اصفهانی در رابطه با عده چنین می‌گوید:

«وَالْعِدَّةُ: هِيَ الشَّيْءُ الْمَعْدُودُ. قَالَ تَعَالَى: وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ [المدثر/ ۳۱] يَعْنِي: عِدْدُ شَأْنٍ. وَقَوْلُهُ: فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [البقرة/ ۱۸۴] يَعْنِي: بِرَأْسِ رُوزَهَائِي بِه تَعْدَادِ أَنْجَهِ فُوتِ شَدَهْ اَزْ زَمَانِي دِیْگَر، غِیر اَزْ مَهِ رَمَضَانَ. إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ [التوبة/ ۳۶] وَ الْعِدَّةُ: عِدَّةٌ زَن، اِیَّامی اَسْت کِهْ بَا پَایانِ یافْتَنِ آنِ اَزْدَوَاجِ بَرایِ او جَایز می‌شود. قَالَ تَعَالَى: فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا [الأحزاب/ ۴۹] فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ [الطلاق/ ۱]» (مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۵۵۰)

عده: چیزی است که شمارش شده و کم یا قابل شمارش است: آیه: وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ [المدثر/ ۳۱] یعنی: عددشان. آیه: فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [البقرة/ ۱۸۴] روزهایی دیگر به جای آنچه از ماه رمضان فوت شده است و روزه بر عهده‌ی اوست. آیه: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ [التوبة/ ۳۶] یعنی تعداد ماه‌ها در نظر خداوند، دوازده ماه است.

العِدَّة:

عده‌ی زن، ایامی است که با پایان یافتن آن همبستری و ازدواج با او جایز می‌شود. در آیات:

فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا [۴۹/ الأحزاب]

فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ [۸/ الطلاق]

وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ [۸/ الطلاق]

در کتاب قاموس قرآن چنین می‌گوید:

عِدَّة: (بکسر اول) شیء معدود است: «الْعِدَّةُ هِيَ الشَّيْءُ الْمَعْدُودُ» «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» [بقره: ۱۸۴]. هرکس از شما بیمار یا در سفر باشد، برای او تعداد معدودی از روزهای دیگر است. گاهی به معنای عدد نیز به کار می‌رود؛ مثل آیه‌ی:

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا [توبه: ۳۶]

عده‌ی زن مطلقه، مدت معدودی است که باید در آن از ازدواج خودداری کند: إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ [طلاق: ۱] (قاموس قرآن، ج: ۴، ص: ۳۰۰)

بنابراین، عده در دو معنای لغوی گروه و چیز شمارش شده به کار رفته است. عده‌ی زنان نیز با توجه به معنای دوم آن، یعنی چیز شمارش شده گرفته شده است؛ چراکه عده‌ی زنان در اغلب موارد مشتمل بر عدد معینی است. (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۲، ص: ۲۱۱) معنای اصطلاحی:

مرحوم شهید ثانی رحمه الله علیه معنای

۱. کسانی که ایمان آورده‌اند اگر زنان مؤمنی به همسری برگزینند و قبل از دست زدن و همبستری با آنها طلاقشان دادید، دیگر عده‌ای بر عهده آنها ندارید که عده نگه‌دارید.

۲. «العدد جمع عدة من العدد لغة لاشتماله عليها غالبا»



که زن حره، بعد از جدایی از همسر و یا کسی که وطی او محترم است (مانند وطی به شبهه)، باید صبر کند. این جدایی به سبب فسخ، طلاق، مرگ و یا از بین رفتن شبهه صورت پذیرفته است.

برخی در تعریف شرعی عده این چنین گفته اند:

«و في اصطلاح الشرع و المتشعبة زمان خاص عینه الشرع للمرأة، و منعها فيه عن الزواج بغير من له العدة، و عن التزین بزينة، و عن واقعة زوجها في الجملة، و بانقضائه يحل لها الزواج.» (مصطلحات الفقه، ص: ۳۷۱)

عده در اصطلاح شرع و متشرعه، زمان خاصی است که شارع این زمان را برای زن تعیین کرده است. زن را در این مدت، از ازدواج مجدد با غیر شخصی که برای او عده نگه داشته است، از آرایش نمودن و از همبستری با شوهر در بعضی موارد، منع کرده است. با گذشت این مدت، ازدواج بر زن حلال می گردد.

## ۲-۲. انواع عده:

با توجه به ادله و کلمات فقها، دو دسته عده برای زن می توان یافت:

«و العدة ضربان: أحدهما: عدة طلاق، و الآخر: عدة وفاة.» (المهذب (لابن البراج)، ج ۲، ص: ۳۱۵)

«العدة ضربان: عدة طلاق أو ما هو في حكمه، و عدة وفاة.» (الوسيلة إلى نیل الفضيلة، ص: ۳۲۴)

اصطلاحی عده را این چنین بیان می کند: «و شرعا: اسمٌ لمدة معدودة تتربص فيها المرأة لمعرفة براءة رحمها، أو للتعبّد، أو التفجّع على الزوج. و شرّعت صيانة للأنساب و تحصینا لها من الاختلاط.» (مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۹، ص: ۲۱۳)

عده از نظر شرعی به مدت زمانی گفته می شود که در آن مدت، زن باید به جهت اطمینان از حامله نبودن، یا به جهت تعبد شرعی، و یا به جهت مصیبت مرگ شوهر، انتظار بکشد. وجه تشریع این حکم الهی، حفظ نسل ها از آمیخته شدن با یکدیگر است.

درالروضه البهیه، خود شهید چنین می فرماید:

«هي مدة تتربص فيها المرأة لتعرف براءة رحمها من الحمل، أو تعبدًا.» (الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)، ج ۶، ص: ۵۷)

عده، مدت انتظار کشیدن زن است تا به حامل نبودن خود اطمینان نماید یا آنکه این حکم تعبدی است.

مرحوم صاحب جواهر رحمه الله علیه، شبیه این معنا را، بدون بیان حکمت تشریع عده، بیان می کند:

«و معناها شرعا أيام تربص المرأة الحرة بمفارقة الزوج أو ذي الوطء المحترم بفسخ أو طلاق أو موت أو زوال اشتباه.» (جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۳۲، ص: ۲۱۱)

عده در شرع، به مدت زمانی گفته می شود



«[الفصل التاسع] العدة ضربان: عدة من طلاق و ما يقوم مقامه، و عدة من موت و ما يجري مجراه.» (إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، ص: ۴۶۳)

این عبارات گویای این مطلب است که عدة دو نوع دارد: یکی عدة طلاق و دیگری عدة وفات.

برای تبیین حکم مسئله عدة زنان فاقد رحم، باید به بررسی جداگانه این دو قسم از عدة پرداخت. با توجه به مختصر بودن بحث عدة وفات، ابتدا این قسم مطرح می شود و سپس به بحث دامنه دار عدة طلاق پرداخته می شود.

عدة برای دو دسته از زنان بیان شده است:

۱. دسته اول زنانی که همسران خود را از دست می دهند و شوهران آنان فوت می کنند.
۲. دسته دوم، زنانی هستند که از همسر خود جدا شده و شوهر آنان را طلاق داده است.

#### عدة وفات:

از آنجایی که از رعایت عدةی وفات، هیچ زوجه ای استثناء نشده، حتی صغیره و یائسه و غیر مدخول بها نیز موظف به رعایت این نوع عدة هستند، زنان فاقد رحم نیز مشمول این حکم هستند و نیازی به بررسی بیشتر در مورد آنان نیست؛ زیرا صرف زوجیت و وفات موجب این حکم است و امر دیگری که شبهه‌ی مدخلیت آن در حکم عدة باشد،

با توجه به اطلاق ادله، منتفی است. به عبارت دیگر، قاعده‌ی اولیه در عدةی وفات، لزوم رعایت برای تمام اصناف زنان است و هیچ دلیل دیگری برای خروج صنفی از اصناف زنان بیان نشده است. زن فاقد رحم نیز طبق این قاعده، ملزم به رعایت عدةی وفات است.

برای آشکار شدن بهتر این اصل کلی، به برخی عبارات پرداخته می شود:

مرحوم کلینی رحمه الله علیه در الکافی شریف خود، در کتاب الطلاق، در بابی تحت عنوان «بَابُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ مَا لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ وَ الْعِدَّةِ»، روایاتی می آورد که همگی دال بر لزوم عدةی وفات بر زوجه‌ی غیر مدخول بها هستند. به عنوان نمونه به روایت اول این باب اشاره می شود:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ تَحْتَهُ امْرَأَةٌ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا قَالَ لَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ وَ لَهَا الْمِيرَاثُ كَامِلًا وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَامِلَةً.» (الکافی، ج ۶، ص: ۱۱۸)

در این روایت صحیح السند، امام علیه السلام در مورد مردی که از دنیا رفته و زوجه‌ای که با او مباشرت نکرده است، فرمودند: برای این زوجه نصف مهر و میراث کامل است و باید عدةی کامل را رعایت کند.

مرحوم شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه، در کتاب الطلاق، باب «طَلَاقِ الَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ حُكْمِ



الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا قَبْلَ الدُّخُولِ وَ بَعْدَهُ»  
روایاتی آورده که رعایت عده را به طور مطلق  
بر زنی که شوهرش از دنیا رفته است، ثابت  
می‌کند. از جمله روایت ذیل:

«وَسَأَلَ عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ عَنْ امْرَأَةٍ هَلَكَ زَوْجُهَا وَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا  
قَالَ لَهَا الْمِيرَاثُ وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَامِلَةٌ وَإِنْ  
سَمَى لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ سَمَى  
لَهَا مَهْرًا فَلَا شَيْءَ لَهَا.» (من لا يحضره الفقيه،  
ج ۳، ص: ۵۰۷)

عبید بن زرارہ از امام صادق علیه السلام  
درباره‌ی زنی که شوهرش از دنیا رفته و با او  
مباشرتی نداشته، سوال پرسید. حضرت  
در پاسخ فرمودند: آن زن ارث می‌برد و باید  
عده‌ی کامل را رعایت کند و اگر برای او  
مهریه‌ای تعیین شده است، نصف آن برای  
اوست و اگر مهریه‌ای برای او تعیین نشده،  
چیزی به او نمی‌رسد.

مرحوم شیخ مفید در این باره می‌فرماید:  
«وَإِذَا تَوَفَّى الرَّجُلُ عَنْ زَوْجَةٍ حُرَّةٍ فَعَلَيْهَا أَنْ  
تَعْتَدَ لَوَفَاتِهِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ سِوَاءَ كَانَتْ  
قَدْ دَخَلَ بِهَا أَوْ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَإِنْ كَانَتْ صَبِيَّةً  
أَوْ بِالْغَا.» (المقنعة، ص: ۵۳۴)

زمانی که شوهر زن حره از دنیا برود، باید  
به مدت چهار ماه و ده روز عده‌ی وفات  
نگه دارد و در این حکم، تفاوتی بین مدخول  
بها و غیر آن و همچنین بین صغیره و کبیره  
نیست.

مرحوم شیخ مفید رحمه الله علیه در این  
عبارت، تصریح به عدم تفاوت بین انواع

ازواج می‌کند.

مرحوم ابوالصلاح حلبی در کتاب کافی  
خود نیز به یکسان بودن تمامی ازواج در  
رعایت عده‌ی وفات تصریح می‌فرماید:

«وَأَمَّا عِدَّةُ الْحُرَّةِ مِنَ الْوَفَاةِ قَبْلَ الدُّخُولِ وَ  
بَعْدَهُ وَ مَعَ الْحَيْضِ وَ ارْتِفَاعِهِ فَأَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ  
عَشْرًا.» (الكافي في الفقه، ص: ۳۱۳)

اما عده‌ی وفات زن حره، چه قبل از  
دخول و چه بعد از آن، چه عادت ماهیانه  
شود و چه نشود، چهار ماه و ده روز است.  
مرحوم شیخ طوسی نیز در کتاب النهایه  
چنین می‌فرماید:

«وَعِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ  
عَشْرَةَ أَيَّامٍ، إِذَا كَانَتْ حُرَّةً، سِوَاءَ كَانَتْ زَوْجَةً  
عَلَى طَرِيقِ الدَّوَامِ أَوْ مَتَمَتَّعًا بِهَا، وَسِوَاءَ دَخَلَ  
بِهَا الرَّجُلُ أَوْ لَمْ يَدْخُلْ.» (النهاية في مجرد  
الفقه و الفتاوى، ص: ۵۳۶)

عده‌ی زنی که شوهرش از دنیا رفته، چهار  
ماه و ده روز است، در صورتی که حره باشد.  
در این حکم، فرقی بین زوجه‌ی دائم و زوجه‌ی  
متمتع نیست، همچنین فرقی بین مباشرت و  
عدم آن وجود ندارد.

از این عبارت نیز به خوبی واضح می‌شود  
که تمامی زنان در اجرای حکم عده مساوی  
هستند و هیچ زنی از آن استثناء نشده است.  
مرحوم ابن ادریس حلی در کتاب سرائر بر  
این مطلب ادعای لا خلاف نیز نموده است:

«فَأَمَّا عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا، إِنْ كَانَتْ  
حُرَّةً حَائِلًا، فَعِدَّتُهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ،  
سِوَاءَ كَانَتْ صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً، مَدْخُولًا بِهَا أَوْ



غیر مدخول بها، بلا خلاف.» (السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص: ۷۳۴)

اما عده‌ی زنی که شوهرش از دنیا رفته، اگر حره است و باردار نیست، چهار ماه و ده روز است. در این حکم، بین زوجه‌ی صغیره و کبیره و همچنین مدخوله و غیر آن، تفاوتی نیست و در این مسئله، اختلافی وجود ندارد. رعایت عده‌ی وفات، حتی برای زوج صبی نیز لازم است که در این مورد، نه تنها مباشرتی در کار نیست، بلکه امکان آن نیز به طور عادی وجود ندارد.

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید:

«إذا زوج صبی صغیر غیر بالغ امرأة، فمات عنها، لزمها عدة الوفاة أربعة أشهر و عشرًا.» (الخلاف، ج ۵، ص: ۵۸)

زمانی که پسر بچه غیر بالغ با زنی ازدواج کند و بعد از مدتی از دنیا برود، آن زن باید به مدت چهار ماه و ده روز عده نگه دارد.

بنابراین، با توجه به عبارات فقها و همچنین اطلاق آیه‌ی شریفه:

«وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴)<sup>۱</sup>

و روایات، می‌توان گفت هر زوجه‌ای که شوهرش از دنیا رفته باشد، باید عده نگه دارد و این امر، منوط به مسئله‌ی دیگری نیست. از این رو، در بحث مورد نظر که عده‌ی زنان فاقد رحم است، باید گفت این زنان نیز مانند سایر زنان، ملزم به رعایت عده‌ی وفات

هستند و نیازی به بررسی وضعیت ایشان از جهت استثناء از حکم رعایت عده‌ی وفات نیست.

### ۳. عده طلاق زنان فاقد رحم:

بررسی وضعیت عده‌ی زنان بدون رحم در سه مرحله باید انجام پذیرد: مرحله‌ی اول مقتضای اصل عملی، مرحله‌ی دوم مقتضای قاعده و مرحله‌ی سوم مقتضای دلیل خاص.

#### ۳-۱. مقتضای اصل عملی:

چند اصل در مسئله قابلیت تمسک را دارند، هرچند رابطه‌ی برخی با برخی دیگر رابطه‌ی حکومت باشد و با وجود اصل حاکم نوبت به اصل محکوم نرسد؛ اما در مقام احصاء ادله به اصل محکوم نیز اشاره می‌شود.

#### استصحاب:

یکی از اصول جاری در این مورد، اصل استصحاب است. جریان این اصل بدین صورت است که قبل از مفارقت از زوج یقین به عدم وجوب رعایت عده وجود دارد. با مفارقت، شک در وجوب رعایت عده می‌شود که استصحاب حکم به بقای یقین سابق، یعنی عدم وجوب رعایت عده می‌کند.

اگر به این استصحاب اشکال تبدل موضوع شود، این اشکال به حکم عرف به بقای موضوع مندفع می‌شود، به این بیان که موضوع در دید عرف «زن» می‌باشد و یکی از

۱. «و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند.»



مراد از مقتضای قاعده این است که با توجه به نصوص و ادله‌ی عده، آیا عده نگاه داشتن بر هر زن مطلقه‌ای لازم است و عده‌ای از زنان، مثل زنانی که با آنان نزدیکی نشده، از این قاعده استثناء شده‌اند، یا آنکه چنین اصل وجود ندارد و اصل، نداشتن عده بوده و برای اثبات لزوم رعایت عده در هر مورد باید دلیلی خاص اقامه گردد.

وجه بررسی قاعده‌ی اولیه آن است که با به دست آوردن این قاعده می‌توان در موارد مشکوک که به جهت نوظهور بودن آن دلیلی خاص بر آن یافت نمی‌شود، مانند زنان فاقد رحم، به این قاعده مراجعه نمود. اگر قاعده‌ی اولیه لزوم رعایت عده باشد، زن فاقد رحم نیز مشمول این قاعده بوده و ملزم به رعایت عده است. اما اگر قاعده‌ی اولیه چنین نباشد، دیگر او ملزم به رعایت عده و تربص نخواهد بود. از این رو به بررسی قاعده‌ی اولیه پرداخته می‌شود.

#### دو قول در قاعده‌ی اولیه و ادله‌ی هریک:

در مورد قاعده‌ی اولیه دو نظر بیان شده است. در واقع نظر دوم که نفی اصل است ناشی از نفی ادله‌ی دلیل وجود اصل می‌باشد. به بیان دیگر، در نفی قاعده‌ی اولیه لزوم رعایت عده بر زن مطلقه، نبود دلیل بر بودن چنین اصل کافی است. از این رو، رد ادله‌ی مثبت چنین قاعده‌ای در نفی آن کفایت می‌کند.

ادله‌ی اثبات قاعده‌ی اولیه لزوم رعایت

حالات آن که زوجیت می‌باشد تغییر کرده و همین امر موجب شک در بقای حکم سابق شده است. اگر این تغییر نبود، اصلاً شکی ایجاد نمی‌شد.

اگر در استصحاب، قول به عدم جریان آن در احکام کلیه پذیرفته شده باشد، (مصباح الأصول، ج ۲، ص: ۴۲) در این صورت نوبت به اصل بعد یعنی برائت می‌رسد.

#### برائت:

مسئله مورد بحث می‌تواند مجرای برائت عقلی و نقلی باشد.

#### برائت عقلی:

بیان برائت این است که در فرض قصور ادله، بیانی برای تکلیف زن فاقد رحم به رعایت عده نرسیده است و قبح عقاب بلا بیان شامل این مسئله می‌شود. بنابراین عقل در این مورد حکم به رفع تکلیف می‌کند. البته اگر مبنا در این بحث، مبنای حق الطاعه‌ای شد، در این صورت دیگر برائت عقلی جاری نخواهد بود که این بحث دیگری می‌شود.

#### برائت نقلی:

حدیث رفع، که مهم‌ترین دلیل بر برائت است، رفع حکم لزوم رعایت عده توسط زن فاقد رحم را بیان می‌کند؛ چرا که این حکم از موارد لایعلمون است که با حدیث رفع، رفع شده است.

#### مقتضای قاعده:

عده بر هر مطلقه

برای اثبات چنین قاعده‌ای، به برخی آیات و روایات زیر تمسک بسته‌اند: (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۱۰۸)

### ۲-۳. آیات:

الف) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ» (طلاق، ۱) ای پیامبر، زمانی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنان را در زمان عده [آن زمانی که از عادت پاک شده و با همسر آمیزش نکرده باشند] طلاق دهید و حساب عده را نگه دارید.

### نحوه‌ی دلالت:

با توجه به «احصوا العده»، فهمیده می‌شود که هر طلاقی همراه با عده است و لفظ «النساء» نیز عام است و شامل تمامی زنان مطلقه، حتی زن فاقد رحم، می‌شود. هیچ وجهی هم برای تقييد «نساء» به زنانی که عده‌ی آنان بیان شده است وجود ندارد. از اضافه‌ی ضمير «هنّ» به عده، معلوم می‌شود برای تمامی زنان عده‌ای معین شده که باید آن عده را رعایت نمایند. بنابراین از آن قاعده‌ی عامی استفاده می‌شود.

ب) «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره، ۲۲۸)

زنان طلاق داده شده باید تا سرآمدن سه پاکی [از حیض را] انتظار برند.

نحوه‌ی دلالت:

لفظ «المطلقات» در آیه عام است و شامل همه‌ی زنان مطلقه می‌شود. بنابراین از این آیه قاعده‌ی عامی استفاده می‌شود که تمامی زنان، از جمله زنان فاقد رحم، باید عده نگه دارند.

### بررسی آیات:

در دلالت هر دو آیه، اشکال شده است که این دو آیه عموم ندارند. به این بیان که آیه‌ی اول مقرون به قرینه‌ای است که با توجه به آن قرینه، مراد از «النساء» صنف خاصی از زنان است نه همه‌ی زنان؛ چرا که در چند آیه بعد همین سوره، عده‌ی زنان یائسه را در صورت شک بیان می‌کند و چنین می‌فرماید: «وَاللَّائِي يَشْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» (طلاق، ۴) و از زنانان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها شک کنید، عده‌ی آنان سه ماه است.

در این آیه‌ی شریفه، عده‌ی سه ماه را منوط به شک در وضعیت زنان مأیوس از عادت ماهیانه کرده است. یکی از احتمالات متعلق این شک، حمل است. یعنی اگر در وضعیت باردار بودن این زن شک کردید، عده‌ی سه ماه بر این زن واجب است. معنای پذیرش این احتمال در آیه، با توجه به مفهوم مخالف آیه، عده نداشتن زنی است که از عادت ماهیانه مأیوس بوده و همچنین شکی در باردار شدن او نیست.

بنابراین، آیه‌ی اول سوره‌ی طلاق دیگر



به نظر می‌رسد وجود احتمال موجب اجمال شود، در صورتی است که احتمال مستقر باشد و با قرائن و شواهد مندفع نشود. در غیر این صورت، اگر احتمال‌های مختلف دفع شوند و تنها یک احتمال باقی بماند، اجمالی به سراغ کلام نمی‌آید.

حال با بررسی آیه ۴ سوره ی طلاق می‌توان دریافت که آیا احتمال در متعلق شک در آیه احتمالی قوی است یا آن که وجوهی برای دفع این احتمال وجود دارد و با رفع این احتمال، مجالی برای مجمل شدن آیه و استفاده‌ی یک قاعده‌ی عمومی وجود ندارد.

**بررسی «إن ارتبتم» در آیه‌ی چهارم سوره ی طلاق:**

آیه‌ی چهارم سوره ی طلاق چنین است:  
 «وَالْأَنَّى يَسْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ  
 إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالْأَنَّى لَمْ  
 يَحْضَنْ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ  
 حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»  
 (طلاق، ۴)

و از زنان شما آنانی که از عادت ماهیانه ناامیداند، اگر شک دارید، عده‌ی آنان [پس از طلاق] سه ماه است. و [هم‌چنین عده‌ی زنانی که عادت نشده‌اند] [سه ماه است] و [پایان] عده‌ی زنان باردار روزی است که وضع حمل می‌کنند. و هر که از خدا پروا کند، برای او در کارش آسانی قرار می‌دهد.  
 در مورد اینکه مراد از «إن ارتبتم» چیست،

عام نخواهد بود و قسمی از زنان را شامل خواهد بود که همان زنانی هستند که بارداری آنان مورد شک واقع می‌شود. این احتمال موجب اجمال آیه و عدم امکان تمسک به آن برای یک قاعده‌ی عمومی می‌شود.

**به عبارت دیگر:**

«عده‌نشینی سه ماهه در این آیه، در گرو شک است که ظاهر در شک نسبت به آبستنی و احتمال آن است. پس مفهوم آیه می‌رساند که بانبود احتمال آبستنی در چنین زنی، عده‌ای بر او نیست. چه بسا بتوان از آیه دریافت که هرگاه احتمال آبستنی نباشد، جایی برای عده نیست. پس این دنباله، خود، قرینه‌ی همراه و پیوسته‌ای است که گستردگی ابتدای آیه را محدود ساخته و از پا گرفتن اطلاق و عموم جلوگیری می‌کند.»  
 (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۱۱۰)

آیه‌ی دوم نیز با توجه به لفظ «قروء» که بیان‌کننده‌ی عده‌ی زنانی است که عادت ماهیانه دارند، معلوم می‌شود که مراد از «المطلقات» زنانی هستند که عادت ماهیانه دارند و شامل تمام زنان نمی‌شود.

**نقد و بررسی:**

در مورد آیه‌ی دوم، به نظر می‌رسد اشکال وارد است، اما در مورد آیه‌ی اول، اینکه آیا با احتمال در متعلق شک در آیه‌ی چهارم سوره ی طلاق، آیه‌ی اول این سوره مجمل می‌شود، جای بررسی بیشتری دارد.



میان مفسران اختلاف وجود دارد.

دیدگاه مرحوم شیخ طوسی رحمه الله علیه  
شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» چنین  
توضیح می‌دهد:

«وَاللَّائِي يَتَسَنَّ مِنْ الْمَحِيضِ مِنْ  
نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» یعنی  
آن یائسه من المحيض إذا كانت ترتب  
بنفسها و لا تدري أرتفع حیضها لكبر أو  
عارض (فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ) و هي التي قلنا  
أولاً أن مثلها حیض، لأنها لو كانت في سنٍّ  
من لا حیض لم يكن لريبتها معنى. و قال  
الزهري و عكرمة و قتادة (إِنْ ارْتَبْتُمْ) فلم تدرؤا:  
للكبر أو لدم الاستحاضة، فالعدة ثلاثة أشهر،  
و قال قوم: إِنْ ارْتَبْتُمْ فلم تدرؤا الحكم في ذلك  
فعدتهن ثلاثة أشهر. (التبیان في تفسیر  
القرآن، ج ۱۰، ص: ۳۳)

مراد از این آیه آن است که زن یائسه اگر  
شک کند که قطع حیض او به دلیل بزرگسالی  
است یا به خاطر عارضی است، عده‌ی او سه  
ماه است. این همان قول اول ماست که امثال  
او عادت می‌شوند، چرا که اگر همسالان او  
عادت نشوند، دیگر شک کردن معنا ندارد.

زهري و عكرمة و قتادة گفته‌اند مراد از  
«إِنْ ارْتَبْتُمْ» آن است که اگر نمی‌دانید قطع  
حیض به جهت بزرگسالی است یا به جهت  
خون استحاضه، عده‌ی سه ماه می‌باشد.  
برخی نیز گفته‌اند اگر شک کردید و حکم  
مسئله را ندانستید، عده‌ی آنان سه ماه است.

دیدگاه مرحوم طبرسی

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید:

«إِنْ ارْتَبْتُمْ» فلا تدرؤن لكبر ارتفع حیضهن  
أم لعارض ثلاثة أشهر، و هن اللواتي أمثالهن  
يحضن لأنهن لو كن في سن من لا حیض  
لم يكن للارتباب معنى، و هذا هو المروي  
عن أئمتنا (عليهم السلام) و قيل معناه  
إِنْ شككتم فلم تدرؤا أدمهن دم حیض أو  
استحاضة «فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» عن مجاهد  
و الزهري و ابن زيد، و قيل معناه إِنْ ارتبتم في  
حكمهن فلم تدرؤا ما الحكم فيهن. (مجمع  
البيان في تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۴۶)

«إِنْ ارْتَبْتُمْ»؛ اگر در شک و ریب شدید  
و نتوانستید تشخیص دهید که به دلیل  
سالخوردگی است که حیض از آن‌ها برداشته  
شده یا برای عارضی است، عده‌ی آن‌ها سه  
ماه است. این زنان همان‌هایی هستند که  
امثال آن‌ها حیض می‌بینند، چرا که اگر در  
سن کسی بودند که حیض نمی‌شد، معنایی  
برای ارتباب وجود نداشت. این، آن چیزی  
است که از امامان ما (عليهم السلام) روایت  
شده است.

مجاهد، زهري و ابن زيد گوید: یعنی اگر  
شما شک کردید و ندانستید که آیا خون آن‌ها  
حیض است یا استحاضه. پس عده‌ی آن‌ها  
سه ماه است.

و برخی گفته‌اند: یعنی اگر درباره‌ی حکم  
آن‌ها شک کردید و ندانستید حکم آن‌ها  
چیست.

دیدگاه علامه طباطبایی رحمه الله علیه  
علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان»  
چنین می‌فرماید:



در تفسیر «الأمثل فی تفسیر کلمات الله المنزل» آمده است:

«يقول تعالى في بداية الأمر: «وَالْأَيُّ يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ فَمُدَّةُ الْعِدَّةِ حِينَئِذٍ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» (الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۸، ص: ۴۱۶)

خداوند متعال در ابتدا می فرماید: «وَالْأَيُّ يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ»؛ پس اگر در وجود حمل و باردار بودن زن شک کردید، مدت عده سه ماه است.

#### تحلیل احتمالات و نتیجه گیری

همان طور که مشاهده شد، درباره ی «إِنْ ارْتَبْتُمْ» احتمالات مختلفی مانند شک در اصل حکم عده، شک در حمل، شک در علت قطع حیض و... داده شده است. اگر صرفاً این احتمالات را بدون بررسی قرائن و روایات و بدون اختیار یکی و رد بقیه، در نظر بگیریم، این آیه موجب اجمال آیه ی اول سوره ی طلاق می شود.

اما به نظر می رسد احتمال شک در حمل زن، که موجب اجمال آیه ی اول می شود، احتمالی است که وجهی برای آن بیان نشده است.

برای احتمال شک در حکم و جهل نسبت به آن، مرحوم سید مرتضی رحمه الله علیه شواهدی از جمله روایتی در شأن نزول این آیه نقل کرده است (الانتصار فی انفرادات الإمامیه، ص: ۳۳۶) و مرحوم طبرسی نیز

«قوله تعالى: وَالْأَيُّ يَيْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ المراد بالارتباب الشك في يأسهن من المحيض أ هو لكبر أم لعارض، فالمعنى: و اللائي يئسن من المحيض من نسائكم و شككنم في أمر يأسهن أ هو لبلوغ سنهن سن اليأس أم لعارض فعدتهن ثلاثة أشهر. وقوله: وَالْأَيُّ لَمْ يَحْضُنْ عطف على قوله: وَالْأَيُّ يَيْسُنُ إلخ، و المعنى: و اللائي لم يحضن و هو في سن من تحيض فعدتهن ثلاثة أشهر.» (الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۹، ص: ۳۱۶) واژه ی «ارتباب» که

فعل «ارتبتم» است، به معنای شک و تردید است. در خصوص آیه، منظور شک در یائسه شدن است؛ چون ممکن است زنی حیض نبیند، ولی شک داشته باشد که حیض ندیدن او به خاطر کبر سن است یا به خاطر عارضه ای مزاجی. پس معنای آیه چنین است: آن زنانی که از حیض یائسه می شوند، اگر در علت یائسه شدنشان شک داشته باشید که آیا به خاطر رسیدن به حد یائسگی است یا به خاطر عارضه مزاجی، در صورتی که طلاقشان دادید باید سه ماه عده نگه دارند.

«وَالْأَيُّ لَمْ يَحْضُنْ»؛ این جمله عطف است بر جمله ی «وَالْأَيُّ يَيْسُنُ...» و معنای آن چنین است که زنانی که در سن حیض هستند ولی حیض ندیده اند، نیز عده ی طلاقشان سه ماه است.

دیدگاه تفسیر «الأمثل»



ادعا می‌کند که تفسیر «إن ارتبتم» به شک در سبب قطع دم حیض (که آیا سن یائسگی است یا عارضه‌ی دیگری) مطابق با روایات اهل بیت (علیهم السلام) است. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۴۶۱) اما کسانی که شک در بارداری را مطرح کرده‌اند، قرینه‌ای نیابورده‌اند و تنها ظهور آیه را قرینه‌ی این مدعا بیان کرده‌اند. (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۱۱۰)

بدین ترتیب، می‌توان گفت تنها احتمالی که موجب مجمل شدن عموم آیه‌ی اول سوره‌ی طلاق می‌شود، فاقد شاهد و قرینه است و ادعایی صرف می‌باشد. بنابراین، عموم آیه‌ی اول به قوت خود باقی می‌ماند و می‌توان ادعا کرد با توجه به این آیه، قاعده‌ای عمومی مبنی بر لزوم رعایت عده توسط تمامی اصناف زنان مطلقه استفاده کرد.

### ۳-۳. روایات:

برای قاعده‌ی لزوم عده بر هر مطلقه‌ای، به برخی از روایات نیز تمسک شده است.

#### ۱. روایت داود بن سرحان

مرحوم کلینی در کافی دو طریق برای این روایت نقل می‌کند:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ عِدَّةُ الْمُطَلَّاقَةِ ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَكُنْ تَحِيضُ.»

(عده‌ی زنان طلاق داده‌شده، یا سه قُرء است و یا سه ماه در صورت نداشتن عادت

ماهیهانه).

«حُمَيْدٌ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مِثْلَهُ.» (الكافي، ج ۶، ص ۹۰) طریق اول به جهت سهل بن زیاد مورد بحث قرار گرفته است، اما برخی اعظام، وثاقت و امامی بودن ایشان را اثبات کرده‌اند. (درس خارج آیت الله شبیری زنجانی، کتاب الخمس، سال دوم، جزوه شماره ۱۰۱). بنابراین، طریق اول صحیح است و مشکلی ندارد.

طریق دوم به جهت حمید بن زیاد الکوفی، الحسن بن محمد بن سماعه و جعفر بن سماعه که هر سه نفر واقفی هستند اما توثیق شده‌اند، مؤثقه می‌شود و از این رو باز هم معتبر است.

از نظر دلالت، لفظ «المطلَّقه» در روایت، مطلق است و قیدی به گروهی خاص از زنان نخورده است و شامل تمامی اصناف زنان خواهد بود. بنابراین، تمامی زنان موظف به رعایت عده هستند و این عده برای زنانی که عادت ماهیهانه دارند سه پاکی و برای زنانی که عادت ندارند سه ماه خواهد بود. بنابراین، با توجه به اطلاق، می‌توان قاعده‌ی اولیه لزوم رعایت عده را استفاده نمود.

اگر به اطلاق روایت این‌گونه اشکال شود که در مقام بیان مقدار عده است و نه در مقام بیان اصناف زنانی که باید عده نگه دارند، (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۱۱۲) می‌توان گفت: به نظر



عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ الْمُطَلَّقةُ تَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا وَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَخْرُجَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا وَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَحِيضًا. (الكافي، ج ۶، ص ۹۰)

محمد بن قیس از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: زن طلاق داده شده در منزل خودش عده را نگه می‌دارد و شایسته‌ی او نیست از منزل خارج شود تا اینکه عده‌ی او تمام شود که عده‌ی او سه قرء یا سه ماه است مگر آن‌که عادت شود.

این روایت نیز مانند روایت قبل است. بنابراین، از مجموع این روایات و آیه‌ی اول سوره‌ی طلاق، قاعده‌ی اولیه در مورد لزوم عده‌ی تمامی زنان استفاده می‌شود. اگر موردی بخواهد از آن استثناء شود، باید دلیلی خاص اقامه شود. پس اگر دلیلی بر نفی یا اثبات عده‌ی زنان فاقد رحم یافت نشد، طبق این قاعده‌ی اولیه باید عده را رعایت کنند. مقتضای ادله:

بعد از بررسی مقتضای اصول و قاعده‌ی اولیه، باید ادله‌ی خاصه را مورد دقت قرار داد. برای بحث عده‌ی زنان فاقد رحم به سه دسته روایت تمسک شده است: (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۱۱۳)

- دسته اول: روایات دال بر عدم لزوم عده بر زنی که او و امثال او باردار نمی‌شوند.

- دسته دوم: روایات دال بر عدم لزوم عده بر زنی که او و امثال او عادت

می‌رسد ظاهر روایت با توجه به لفظ (عده المطلقه) گویای عده داشتن هر زن مطلقه است و در فرض شک که آیا در مقام بیان این جهت است یا خیر، اصل در مقام بیان بودن است. از این رو، اشکال در مقام بیان بودن از این جهت از روایت مندرج می‌گردد.

## ۲. صحیح‌هی حلبی

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی چنین آورده است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُطَلَّقةِ أَنْ تَخْرُجَ إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ أَوْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَحِضْ». (الكافي، ج ۶، ص ۹۰)

(شایسته‌ی زن مطلقه نیست که از منزل بدون اجازه‌ی شوهرش خارج شود تا زمانی که عده‌ی او - سه قرء یا سه ماه در صورت نداشتن عادت ماهیانه - تمام شود.)

سند این روایت از اسانید مشهوره‌ی مرحوم کلینی در کافی است و بحثی در صحیح بودن این روایت وجود ندارد. دلالت این روایت مانند روایت گذشته است که «المطلقة» اطلاق دارد و شامل تمامی اصناف می‌شود و اشکال و پاسخ نیز در این روایت مطرح می‌شود.

## ۳. روایت محمد بن قیس

مرحوم کلینی در کتاب کافی نقل می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ



ماهیهانه ندارند.

۳. دسته سوم: روایات بیان‌کننده علت و فلسفه عده.

از میان این سه دسته، به دو دسته‌ی اول بر اثبات عدم لزوم عده بر زن فاقد رحم استناد شده است و دسته‌ی سوم فاقد صلاحیت لازم از حیث سند یا دلالت بیان شده است. اما به نظر می‌رسد ادعایی که در مورد دو دسته‌ی نخست شده است قابل اشکال می‌باشد، که برای واضح شدن مطلب به بررسی تفصیلی این سه دسته روایت پرداخته می‌شود.

دسته‌ی نخست: روایات دال بر عدم لزوم عده بر زنی که او و امثال او باردار نمی‌شوند در این دسته دو روایت بیان شده است:

۱. روایت محمد بن مسلم.
۲. مرسله‌ی جمیل بن درّاج.

با توجه به ارسال در روایت دوم از بررسی آن چشم‌پوشی کرده و تنها به روایت اول پرداخته می‌شود.

این روایت که کافی آن را نقل نموده و با سند مرحوم کلینی در تهذیب و استبصار نیز آورده شده، چنین است:

«أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الَّتِي لَا تَحْبَلُ مِثْلَهَا لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا.» (الكافي، ج ۶، ص ۸۵ - تهذیب الأحكام، ج ۸، ص ۶۷ -

الاستبصار، ج ۳، ص: ۳۳۸)

محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: زنی که امثال او باردار نمی‌شوند، عده ندارد.

این روایت مشتمل بر سه سند است که در سند سوم حمید بن زیاد کوفی واقفی قرار گرفته است و سند سوم به لحاظ او موثق می‌شود، اما تنها مشکل این سه سند در محمد بن حکیم است که برای او توثیق صریحی بیان نشده است، اما به قرائنی توثیق می‌شود:

۱. نقل مشایخ ثلاث (صفوان، بزطی، ابن ابی عمیر) از او.
۲. اکثار اجلاء از او (کثرت نقل صفوان).
۳. روایت کردن یونس بن عبدالرحمن از او.
۴. واسطه‌ی بحث امام کاظم عليه السلام با دیگران و خرسندی امام عليه السلام از او. (کتاب نکاح (زنجانی)، ج ۲۳، ص: ۷۱۷۱)

بنابراین دو سند اول روایت صحیح و سند سوم موثق می‌شود.

در مورد دلالت این حدیث بر محل بحث گفته شده: زنی که رحم او خارج شده است به هیچ‌وجه باردار نمی‌شود و امثال او نیز که رحم ندارند باردار نمی‌شوند، بنابراین روایت شامل محل بحث گشته و عده‌ای بر زن فاقد رحم لازم نیست.

دسته‌ی دوم: روایات دال بر عدم لزوم عده بر زنی که او و امثال او عادت ماهیهانه



ندارند

در این دسته به دو روایت اشاره شده است:

(۱) صحیح‌هی حماد بن عثمان:

«رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْتِي قَدْ يَيْسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَالتِّي لَا تَحِيضُ مِثْلَهَا قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ.» (تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۶۶)

حماد بن عثمان می‌گوید از امام صادق عليه السلام در مورد زنی که از عادت ماهیانه مایوس شده و زنی که امثال او عادت ماهیانه ندارند سوال پرسیدم. حضرت فرمودند: عده ندارد.

(۲) روایت عبدالرحمن بن حجاج:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَبَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ التِّي لَمْ تَحِيضْ وَ مِثْلَهَا لَا تَحِيضُ. قَالَ: قُلْتُ وَ مَا حَدُّهَا؟ قَالَ: إِذَا أَتَى لَهَا أَقْلٌ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ وَ التِّي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ التِّي قَدْ يَيْسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلَهَا لَا تَحِيضُ. قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟ قَالَ: إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً.» (الكافي، ج ۶، ص ۸۷)

امام صادق عليه السلام فرمودند: سه گروه از زنان هستند که در هر شرایطی (بدون رعایت عده) می‌توانند ازدواج کنند:

۱. زنی که عادت ماهیانه ندارد و امثال او عادت ماهیانه ندارند.

راوی می‌گوید از امام عليه السلام در مورد حد آن پرسیدم. حضرت فرمودند: دختری که در کمتر از نه سالگی با او مباشرت شده است.

۲. زنی که با او نزدیکی نشده است.

۳. زنی که از داشتن عادت ماهیانه مایوس شده و امثال او عادت ماهیانه ندارند.

راوی پرسید: حد این زن چیست؟ حضرت فرمودند: زنی که پنجاه سال سن داشته باشد.

تنها مشکل سندی این روایت، سهل بن زیاد است که در قبل به آن اشاره شد و بیان گردید که سهل توسط برخی از اعظام توثیق گردیده است، بنابراین روایت صحیح خواهد بود.

نحوه استدلال به این دو روایت در مورد محل بحث به این صورت است که زنی که رحم او خارج شده باشد عادت ماهیانه ندارد و امثال او از زنانی که رحم ندارند عادت ماهیانه ندارند. بنابراین مشمول روایت می‌شود و در روایت دوم هرچند که حد سنی بیان شده است، اما به نظر می‌رسد سن موضوعیت نداشته و نداشتن عادت ماهیانه‌ی امثال او خصوصیت داشته باشد. از این رو به همان بیان قبل شامل زنان فاقد رحم می‌شود.

نقد و بررسی دو دسته‌ی نخست:

تمسک به این دو روایت منوط به صحت تمسک به عام یا مطلق در مسائل مستحدثه



است که این امر تمام نیست<sup>۱</sup> و بر فرض آنکه صحت این مطلب را بپذیریم که می‌توان در مسائل مستحدثه به عام یا مطلق تمسک نمود، اما این امر مسلم است که در صورت یقین به در مقام بیان نبودن مواردی خاص و یا نبود التفات از ناحیه‌ی شارع به آن مورد، نمی‌توان به عمومات و اطلاقات تمسک نمود و اخراج رحم زن، از این قبیل است که با توجه به انتفای حتمی مصداق آن و عدم امکان وقوعی چنین امری، در زمان صدور روایت، اطلاق شارع شامل آن نمی‌شود؛ چرا که در مقام بیان چنین مورد نبوده است.

بنابراین، ادله نمی‌توانند زنان فاقد رحم را شامل شوند و باید به قاعده‌ی اولیه مراجعه نمود.

همچنین استدلال به این دو دسته از روایات، منوط به این مسئله است که اخراج رحم را امری طبیعی قلمداد کرده و عدم امکان بارداری زن بدون رحم و نداشتن عادت ماهیانه او را بر منوال طبیعی قرار دهیم تا بتوانیم دو تعبیر «لا تحمل مثلها» و «لا حیض مثلها» را شامل زن فاقد رحم بدانیم و این در حالی است که این دو تعبیر ناظر به افراد طبیعی است نه افرادی غیرطبیعی که به خاطر عارضه‌ای، نابارور شده و یا عادت ماهیانه ندارند.

در زمانه‌ی صدور روایت، اخراج رحم نه تنها شیوع نداشته بلکه اصلاً موردی نداشته است تا بخواهد «مثلها» را شامل صنف زنان

فاقد رحم بگیریم.

و اگر بنا باشد که تعبیر مثلها را ناظر به صنف زنانی که دچار عارضه‌ای شده‌اند و به همین جهت باردار نمی‌شوند و یا عادت ماهیانه ندارند، بدانیم، دیگر موردی برای روایاتی که بیان‌کننده‌ی حکم زن غیرطبیعی که بر اثر عارضه‌ای قدرت بارداری یا عادت ماهیانه ندارد، باقی نمی‌ماند، چرا که هر زنی که عارضه‌ای دارد به هر حال امثال او باردار یا عادت نمی‌شوند و همین بدون مورد ماندن این دسته از روایات خود شاهد بر این مطلب است که مثلها ناظر به زنان طبیعی است.

از جمله این روایات که بیان‌کننده‌ی حکم زنان غیرطبیعی است، روایت ذیل است که همین روایت وضعیت زن فاقد رحم را نیز مشخص می‌کند.

مرحوم کلینی روایت را در کافی چنین آورده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ فِي الَّتِي تَحِيضُ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ مَرَّةً أَوْ فِي سِتَّةٍ أَوْ فِي سَبْعَةِ أَشْهُرٍ وَالْمُسْتَحَاضَةُ الَّتِي لَمْ تَبْلُغِ الْحَيْضَ وَ الَّتِي تَحِيضُ مَرَّةً وَ تَرْفَعُ مَرَّةً وَ الَّتِي لَا تَطْمَعُ فِي الْوَلَدِ وَ الَّتِي قَدْ ارْتَفَعَ حَيْضُهَا وَ زَعَمَتْ أَنَّهَا لَمْ تَيَأْسُ وَ الَّتِي تَرَى الصُّفْرَةَ مِنْ حَيْضٍ لَيْسَ بِمُسْتَقِيمٍ فَذَكَرَ أَنَّ عِدَّةَ هَوْلَاءِ كُلِّهِنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» (الكافي، ج ۶، ص ۹۹)

امام باقر (عليه السلام) یا امام صادق

۱. ر.ک فصلنامه ی تا اجتهاد، پیش شماره یازدهم، ص ۲۷، مقاله تمسک به عمومات و اطلاقات در مسائل مستحدثه



السن من تحيض اعتدت منه بثلاثة أشهر»  
(المقنعة (للشيخ المفيد)، ص: ۵۳۲)

اگر زن مطلقه به جهت عارضه‌ای عادت ماهیانه ندارد و هم‌سالان او عادت ماهیانه دارند، سه ماه عده نگه می‌دارد.

پس دو دسته‌ی اول، نمی‌تواند نافی عده‌ی زن فاقد رحم باشند.

دسته‌ی سوم: روایات بیان‌کننده علت و فلسفه عده

دسته‌ی سوم از روایات که برای نفی عده زنان فاقد رحم بدان تمسک شده، روایاتی هستند که در آن‌ها علت و فلسفه‌ی عده بیان شده است که با انتفاء علت بیان شده در مورد زن فاقد رحم، حکم نیز منتفی می‌شود.

عمده‌ترین علتی که روایات بدان اشاره کرده‌اند، اطمینان از بارداری نبودن زن و نبود حمل در رحم اوست.

اما باید توجه داشت که روایاتی که این جنبه را برعهده دارند، دارای ضعف سندی بوده و قابل اعتماد نیستند. (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲، ص: ۱۳۲) بر فرض صحت سند این روایات، نمی‌توان برداشت نمود که تمام علت در لزوم رعایت عده، اطمینان از بارداری نبودن زن باشد.

همچنین نمی‌توان اطمینان حاصل نمود که استبراء رحم و اطمینان از بارداری نبودن زن علت باشد و شاید حکمت تشریع حکم باشد نه علت آن و از این رو با انتفاء آن، حکم

(علیه السلام) در مورد زنی که در هر سه ماه یا هر شش ماه یا هر هفت ماه یک بار خون حیض می‌بیند و زن مستحاضه‌ای که خون استحاضه‌ی او منقطع نمی‌شود و خون حیض نمی‌بیند و زنی که گاهی خون می‌بیند و گاهی نمی‌بیند و زنی که امید بچه‌دار شدن را ندارد و زنی که دیگر خون نمی‌بیند و گمان می‌کند یائسه شده است و زنی که خونی زردرنگ از عادت ماهیانه نامنظم می‌بیند، امام (علیه السلام) در مورد همه این زنان فرمودند عده‌ی همه آنان سه ماه است.

در این روایت که از نظر سندی مشکلی ندارد، عبارت «الَّتِي لَا تَطْمَعُ فِي الْوَلَدِ» یعنی زنی که امید بچه‌دار شدن را ندارد، آمده است که شامل زنان فاقد رحم نیز می‌شود و اگر گفته شود که این عبارت ناظر به موارد غیرطبیعی و عارضه‌ای است، باید گفت همانطور که در ابتدای بحث مطرح شد، زنان فاقد رحم، زنانی طبیعی نیستند.

حال که مثلها نمی‌تواند ناظر به زنان غیرطبیعی هم‌صنف باشد، معنای آن را می‌توان مثلثیت در سن قرار داد و معنای روایات دو دسته‌ی اول این می‌شود: زنی که هم‌سالان او عادت ماهیانه ندارند و یا باردار نمی‌شوند، عده ندارند.

برخی از فقها نیز به همین مثلثیت در سن تصریح کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به عبارت شیخ مفید رحمه الله علیه در المقنعه اشاره نمود که چنین می‌فرماید:

«وإن لم تكن تحيض لعارض ومثلها في



منتفی نخواهد بود.

ضابطه‌ی تشخیص علت از حکمت

در رابطه با ضابطه‌ی تشخیص علت و حکمت، کلمات مختلفی بیان شده است که از میان می‌توان به کلام محقق حلی صاحب شرایع اشاره کرد. ایشان در کتاب معارج الاصول در این رابطه چنین می‌گوید: «النص على علة الحكم و تعليقه عليها مطلقاً، يوجب ثبوت الحكم ان ثبتت العلة، كقوله: الزنا يوجب الحدّ، و السرقة توجب القطع. أما إذا حكم في شيء بحكم ثم نصّ على علته فيه: فان نصّ مع ذلك على تعديته و جب، و ان لم ينص، لم يجب تعدية الحكم الا مع القول بكون القياس حجة، مثاله: إذا قال: الخمر حرام لأنها مسكرة، فأنه يحتمل أن يكون [التحريم] معللاً بالإسكار مطلقاً، و يحتمل أن يكون معللاً بإسكار الخمر، و مع الاحتمال لا يعلم وجوب التعدية.» (معارج الأصول (طبع جدید)، ص: ۲۵۷)

حاصل کلام ایشان در رابطه با تشخیص علت حکم که حکم دائر مدار آن باشد چنین است:

تصریح به علت حکم سه صورت می‌تواند داشته باشد:

۱. با خود تشریع تصریح به علت حکم کرده‌اند و حکم را معلق بر آن نموده‌اند. مانند زنا موجب حد است که علت حد، زنا معرفی شده و حکم وجوب حد بر زنا معلق شده است.
۲. بعد از تشریع حکم به علت آن

تصریح می‌شود به این صورت که در کلامی حکم برای موضوعی قرار داده شده است و در کلام دیگری علت این تعلیق حکم بر این موضوع بیان شده و تصریح به وجوب تعدیه از این موضوع کرده است.

۳. مانند صورت دوم با این تفاوت که

تصریح به وجوب تعدیه نکرده است.

در دو صورت اول می‌توان از این موضوع

تعدیه کرد و در واقع علت است و در صورت

سوم نمی‌توان تعدیه نمود مگر در صورت پذیرش حجیت قیاس که آن هم مردود است.

در بحث ما مواردی که برای علت حکم

وجوب عده بیان شده از قبیل قسم سوم

است و در واقع داعی برای تشریع و حکمت

جعل عده می‌باشد که در این صورت با

انتفاء آن حکم منتفی نمی‌گردد.

نتیجه:

با توجه به مقتضای قاعده‌ی اولیه در عده

که تمامی زنان مطلقه موظف به نگه داشتن

عده هستند مگر آن دسته که با دلیل از این

قاعده خارج شده باشند و با توجه به قصور ادله

از شمول زنان فاقد رحم، حکم زنان فاقد رحم

طبق مقتضای قاعده‌ی اولیه خواهد بود و آنان

ملزم به رعایت عده هستند و اگر بنا باشد ادله،

شامل زن فاقد رحم باشند، آن دسته از ادله که

بازگوکننده‌ی حکم زنی که به خاطر عارضه‌ای

عادت ماهیانه ندارد و یا باردار نمی‌شود، مورد

بحث را دربرگرفته و حکم آن را که رعایت

عده‌ی سه ماه است، روشن می‌سازد.



## منابع

۱. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن، طوسی، ابو جعفر، جلد ۴، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، اول، ۱۳۹۰ هـ ق
۲. الأمثل في تفسیر کتاب الله المنزل، ناصر، مکارم شیرازی، ۲۰ جلد، مدرسه الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام) - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۲۱ هـ ق.
۳. الانتصار في انفرادات الإمامية، علی بن حسین موسوی، شریف مرتضی، دریک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق
۴. التبیان في تفسیر القرآن، محمد بن حسن، طوسی، ۱۰ جلد، دار احیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
۵. تهذیب الأحکام، محمد بن حسن، ابو جعفر، طوسی، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
۶. جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، محمد حسن، نجفی، صاحب الجواهر، ۴۳ جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق.
۷. الخلاف، محمد بن حسن، ابو جعفر، طوسی، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ هـ ق
۸. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلانتر)، زین الدین بن علی، عاملی، شهید ثانی، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ق.
۹. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، محمد بن منصور بن احمد، ابن ادريس، حلی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق
۱۰. فرهنگ ابجدی، فواد افرام، بستانی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ هـ ش.
۱۱. قاموس قرآن، سید علی اکبر، قرشی، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، ششم، ۱۴۱۲ هـ ق
۱۲. الکافي (ط - الإسلامية)، محمد بن یعقوب، ابو جعفر، کلینی، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق
۱۳. الکافي في الفقه، تقی الدین بن نجم الدین، حلبی، ابو الصلاح، دریک جلد، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، اصفهان - ایران، اول، ۱۴۰۳ هـ ق
۱۴. کتاب العین، خلیل بن احمد، فراهیدی، ۸ جلد، نشر هجرت، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق
۱۵. کتاب نکاح (زنجانى)، سید موسی شبیری، زنجانى، ۲۵ جلد، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ ق



للمطبوعات - لبنان - بيروت، چاپ: ۲،

۱۳۹۰ ه.ق.

۲۴. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى،

محمد بن حسن، ابو جعفر، طوسی،

یک جلد، دارالکتاب العربی، بیروت -

لبنان، دوم، ۱۴۰۰ ه.ق.

۱۴۱۹ ق.

۱۶. مجله فقه اهل بیت علیهم السلام

(فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه

اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم

السلام، قم - ایران، [بیتا]، چاپ اول

۱۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن

حسن، طبرسی، ۱۰ جلد، ناصر خسرو -

ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۳۷۲ ه.ش.

۱۸. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام،

زين الدين بن علي، شهيد ثاني، عاملی،

۱۵ جلد، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم

- ایران، اول، ۱۴۱۳ ه.ق

۱۹. معارج الأصول (طبع جدید)، جعفر بن

حسن، محقق حلی - لندن، چاپ: اول،

۱۴۲۳ ق.

۲۰. مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد

راغب، اصفهانی، در یک جلد، دارالعلم

- الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲

ه.ق

۲۱. المقنع (للشيخ الصدوق)، محمد بن

علي بن بابويه، قمی، صدوق، در یک

جلد، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم

- ایران، اول، ۱۴۱۵ ه.ق

۲۲. المقنعة (للشيخ المفيد)، محمد بن

محمد بن نعمان عکبری، بغدادی،

مفيد، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره

شيخ مفيد - رحمة الله عليه، قم - ایران،

اول، ۱۴۱۳ ه.ق

۲۳. الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين،

طباطبایي، ۲۰ جلد، مؤسسة الأعلمي

